

وقایع افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی

(بخش سیزدهم)

سر " دنیل پرل " بُریده میشود

منابع بین المللی به روزاول ماه جنوری سال 2002 میلادی گزارش دادند که " دنیل پرل رییس بخش بیروی آسیای جنوبی در وال ستریت ژورنال توسط رباینده گانش در شهرکراچی، سر بُریده شد.

چنانکه تلویزیون " الجزیره " طی یکی از برنامه هایش، صحنه وحشتناک و تکان دهنده سر بُریدن ژورنالیست مذکور را عیناً به نمایش گذاشت که نویسنده این سطور و ملیونها نفر دیگر در سراسر جهان، این صحنه دلخراش و تکان دهنده را تماشا کردند. بعد ها افشاً گردید که طراح ربودن " پرل " افراد سازمان " القاعده " و مغز متفکر این اقدام خونین، شخصی بنام احمد عمر سید شیخ وسیف العدل پاکستانی الاصل بودند. البته پسان ها در اثر فشارهای سنگین دیپلماتیک غرب بالای حکومت مداران پاکستانی، آن دو تروریست، در شهر کراچی پاکستان دستگیر شدند.



دنیل پرل خبرنگار وال ستریت ژونال

تقاضا های رباینده گان " دنیل پرل " که تحت نام " اعضای جنبش اعاده حاکمیت پاکستان " به جانب امریکا اعلام گردید، عبارت بود از : رهایی زندانیان پاکستانی از زندان " گوانتانامو- بی " و برگردانیدن آنها به پاکستان، تسلیمدهی هوا پیما های جنگی (اف- 16) برای حکومت پاکستان و پایان دادن به حاکمیت امریکا بالای پاکستان. تحقیقات بعدی از تروریستهای دستگیر شده روشن ساخت که " خالد شیخ محمد " نیز دراختطاف و جدا کردن سر " دنیل پرل " ازتنش دست قوی داشته، همان طور که مغز متفکر حادثه یازدهم سپتامبر نیز بوده است. باید گفت که " خالد شیخ محمد " در سال 1964 میلادی از یک پدر و مادر پاکستانی در کویت به دنیا آمد و در سن جوانی به گروه اخوان المسلمین پیوست و در داکوتای شمالی واقع در ایالات متحده امریکا رشته مهندسی مکانیک خواند. وی در سال 1978 میلادی در خاک افغانستان، آنگاه که جهاد ضد روسی ادامه داشت، با اسامه بن لادن آشنا شد.

هرچند در یک مقاله تحقیقی پیرامون " ساختار و عملکرد سازمان اطلاعات پاکستان منتشره نشریه انترنتی " آریایی " در ماه فبروری سال 2013م از قول مجله تایم در سال 2002 گفته شده که " یک شهروند امریکایی - اسرائیلی به نام دنیل پرل توسط سلاح هایی که متعلق به آی اس آی بوده به قتل رسیده است، چرا که مشغول جمع آوری اطلاعاتی بوده که ارتباط بین آی اس آی و

القاعده را نشان می‌داده است... " برخی منابع دیگر نیز بعد ها، ربودن و قتل " پرل " را با شبکه‌ی آی.اس.آی پاکستان مرتبط دانستند.

باز هم، مقام‌های اطلاعاتی پاکستان، تحت فشار امریکا، مجبور شدند عامل خودشان را پس از قتل " پرل " دستگیر نموده به مقام‌های امریکایی بسپارند. این حادثه خونین و ننگین نیز ثابت ساخت که مقام‌های پاکستانی، از سیاست و پالیسی دو گانه در برابر تعهدات شان در قبال " جنگ علیه تروریسم " استفاده نموده به تروریست پروریهای شان همچنان ادامه می‌دهند.

بتاریخ نهم ماه اکتوبر سال 2001 میلادی، مطبوعات امریکا و کانادا گزارش دادند که شخصی بنام " طارق راجا " بیست و هشت ساله، شهروند بنگله دیش، میخواست مواد انفجاری را در لابه لای کفش هایش از پاریس به درون طیاره مسافربری امریکایی که رهسپار (فلوریدای امریکا) بود؛ انتقال دهد. اسناد و گزارش‌ها افشا کردند که این شخص، عضو سازمان تروریستی القاعده بوده و قبل از آنکه بتواند مواد انفجاری را با خود به داخل طیاره ببرد، شناسایی و دستگیر گردید. پس از همین رویداد بود که مؤظفین امنیتی میدان‌های هوایی امریکا و کانادا و سایر ممالک غربی، دستور اکید یافتند تا علاوه از تفتیش بدنی مسافران هوایی، کفش‌های آنها را نیز از پاهای شان در آورده مورد معاینه و تفتیش قرار دهند.



طارق راجا شهروند بنگله دیش و عضو القاعده

عراق اشغال میشود

جورج دبلیو بوش، یکسال پس از سقوط امارت گروه طالبان، جنگ در افغانستان را بگونه شتابزده‌ی پایان یافته اعلام نمود و ادعای پیروزی کامل نمود. یعنی هنوز رهبران و بقایای گروه طالبان و القاعده بخاطر عدم تعقیب و سرکوب کامل، زنده و سلامت در خاک پاکستان بسر می‌برند که مقام‌های امریکایی، باغور ناشی از "حصول پیروزی" در افغانستان و با استفاده از جو خاص و مساعدی که حادثه یازدهم سپتامبر برایشان بوجود آورده بود، خواستند تا دیر نشده به بهانه اینکه "صدام حسین رییس جمهور عراق از رهبران القاعده حمایت کرده و دارای جنگ افزار های کشتار جمعی میباشد"، به خاک عراق نیز لشکرکشی نمایند. رییس جمهور امریکا که قبلاً در رأس گروه "محافظه کاران نوین" آن کشور، با پیشبرد دیپلماسی فعال و زیرکانه، توانسته بود نماینده گان اکثر کشورهای جهان در سازمان ملل را علیه رژیم صدام حسین متقاعد ساخته و فیصله جمعی آنان مبنی بر تفتیش آن کشور توسط بازرسان خاص سازمان مذکور را حاصل نماید، پیوسته تهدید میکرد که "پس از افغانستان، نوبت عراق خواهد بود تا مجازات شود." مثلاً، جورج دبلیو بوش در نیمه های ماه نوامبر سال 2001 م در یک سخنرانی رسمی، خطاب به "صدام حسین" گفت: "در جنگ با تروریسم، کشورهای سازنده جنگ افزار های کشتار جمعی که جهان را به هراس می اندازند، هدف قرار خواهند گرفت." وی در جواب این سوال که گام های بعدی چه خواهد بود؟ اظهار داشت: "پیام اینست که اگر به یک تروریست پناه دهید، تروریست هستید، اگر به یک تروریست غذا دهید، تروریست هستید، اگر تسلیحات کشتار جمعی تولید کنید و جهان را به هراس بیندازید، باید حساب پس بدهید." وی اضافه نمود که: "در مورد آقای صدام باید بگویم او باید به بازرسان اجازه دهد به کشورش باز گردند { پس از یک وقفه که بمیان آمده بود، مجدداً به عراق بروند } تا به ما نشان دهند وی تسلیحات کشتار جمعی تولید نمیکند. اگر وی از پذیرفتن بازرسان خود داری کند؛ خودش متوجه خواهد شد با چه عواقبی مواجه می شود." (29)

ولی آنگاه که صدام حسین نه تنها به بازرسان سازمان ملل اجازه ورود به عراق و تفتیش همه جانبه را داد، بلکه حتا وقتی بازرسان مذکور، اندرون کاخهای دولتی و اتاق های خاص و عام آنها نیز تفتیش نمودند، آنها تحمل نمود، بازهم، رییس جمهور امریکا از اتهام وارد کردنها و تهدید نمودن ها و صدور اخطاریه های پیاپی علیه صدام حسین و رژیمش خود داری نه نمود.

بهمین سلسله، روزنامه مشهور " تورنتو استار " در شماره مورخ بیست و یکم ماه دسامبر 2001م خویش نوشت که " به تعداد بیست هزار سرباز امریکایی در این هفته، به سوی قطر و کویت حرکت کرده است "

سال 2003 میلادی بود که جورج دبلیو بوش رییس جمهور امریکا و تونی بلیر صدراعظم انگلستان، پس از تمهیدات سیاسی - دیپلماتیک و بدون حصول موافقت شورای امنیت سازمان ملل و حتا علی رغم مخالفت سازمان مذکور و اعتراض های تعداد زیادی از کشورهای دیگر و با آنکه مفتشین سازمان ملل از سوی صدام حسین اجازه یافتند هر جا و هر مکان عراق را که بخواهند، تفتیش نمایند که کردند (و اما چیزی بدست نیاوردند)، به بهانه اینکه " صدام حسین سلاح های گشتار جمعی در اختیار دارد و آنها پنهان کرده است "، هنوز دیری از اشغال افغانستان توسط نیرو های امریکایی سپری نشده بود که با شتاب خاصی بالای عراق حمله مسلحانه زمینی و هوایی انجام دادند. زیرا طرح این حمله نظامی قبلاً بصورت سری از سوی " محافظه کاران جدید " امریکایی ریخته شده بود. چنانکه " پال اونیل " وزیر دارایی وقت امریکا نیز اظهار داشت که " بوش، سرنگونی صدام را قبل از یازدهم سپتامبر برنامه ریزی کرده بود. "

صحت و سُقم این گفته، از شیوه گفتار جورج دبلیو بوش، از پافشاریهای لجوجانه، از تعجیل خاص در رسیدن پای امریکا به عراق، بی اعتنائی آشکار در برابر افکار عامه کشورهای جهان و سازمان ملل و اظهار این مطلب که " اگر سازمان ملل موافق هم نباشد، ما به

عراق حمله خواهیم کرد" و سایر ژست ها و حرکات رییس جمهور و تیم کاری اش به اثبات رسیده میتواند .

جورج بوش طی نخستین سخنرانی رسمی اش در سال 2003 میلادی گفت : " رژیم عراق مقدار زیاد اورانیم را از کشور نیجریه خریداری نموده تا در ساختار بمبهای اتمی اش بکار برد."

چون اشغال نظامی عراق از قبل در دستور کار کاخ سفید قرار داشت، بنابراین، دستگاه های جاسوسی امریکا و انگلیس، باساس ترفند های خاص شان، اوراقی مبنی بر خریداری این مواد را جعل کرده از مجرای غیر مستقیم به اختیار بعضی منابع مانند اداره بین المللی انرژی اتمی و امثالهم قرار دادند تا دست آویزی شود در جهت هجوم نظامی علیه عراق. متحد بسیار نزدیک امریکا (تونی بلر) صدراعظم بریتانیا نیز بمثابه کاسه داغتر از آتش عمل نموده طی یک سخنرانی رسمی در سال 2002 م ادعا کرد که رژیم صدام حسین به ساخت و ساز چنان سلاح های " کشتار جمعی " مشغول است که میتواند ظرفاً صرفاً چهل و پنج دقیقه بکار انداخته شوند. این تنها نبود. هردو رهبر (بوش و بلیر) همچنان صدام حسین را متهم کردند که با سازمان تروریستی القاعده در تماس نزدیک قرار دارد. دامنه این تبلیغات را از مجرای رسانه های جمعی تابدانجا گسترش دادند که بالاخره افکار بسیاری از ملل عرب و غیر عرب را فریفتند و برخی از رژیم های دور و بر عراق مانند مصر و اردن و عربستان سعودی و غیره را با پرداخت پاداش های میلیارد دلاری و یا وعده و وعید های سیاسی با خود همنو ساختند.

عاقبت، حملات شدید هوایی و هجوم زمینی وسیع در پناه بیشتر از سه صد و پنجاه هزار سرباز مسلح، صدها بال طیاره جنگی پیشرفته، تانکهای مدرن صحرا نورد، هزارها موشک زمین به هوا و هوا به زمین و کلیه سازو برگ جنگی علیه عراق آغاز گردید و در نتیجه این حمله گسترده، صدها هزار انسان عراقی با سرعت بکام مرگ رفتند، هزاران خانواده به قلمرو ممالک همسایه و دیگر نقاط جهان آواره گردیدند، دارایی های عامه و داشته های دولتی عراق، بویژه موزیم بی بدیل آن کشور بتاراج رفت، زندان های زیادی

توسط امریکایی ها، آگنده از زن و مرد عراقی شدند، شکنجه ها و اعمال شرم آوری توسط امریکایی ها و انگلیسی ها در زندانهای تحت کنترل شان در عراق و از جمله، زندان مخفی در فرودگاه بین المللی بغداد و زندان مشهور " ابو غریب " صورت گرفت که اخبار و گزارش های رسوا آمیز آن به سراسر جهان پخش شد، نظم ارتش کشور اشغال شده عراق در هم ریخت، شعارهای سیاسی و مذهبی تعصب آمیز مثلاً " کُرد ها "، " شیعه ها "، " سنی ها "، " و "... دامن زده شد، آبادانی ها به ویرانه مبدل شدند، دشمنی مسلحانه و خونین میان ملیت ها، مذاهب و اقوام مختلف بوجود آمد، صدام حسین متعاقب قتل دو فرزند جوان و فرار همسر و دخترانش به سوریه، دستگیر، محاکمه و اعدام گردید و منطقه به آشوب عجیبی کشانیده شد. حمله نظامی بیرحمانه امریکا و انگلیس بالای عراق، نه تنها آن کشور را خاک و خون کشانید و گروه های مسلح مخالف را وادار به ارتکاب عمل انفجارهای عظیم و عملیات متعدد انتحاری بر ضد نیرو های اشغالگر نمود، بلکه برای مقام های نظامی پاکستان نیز این فرصت را میسر گردانید تا با استفاده از مشغولیت های گسترده امریکا در آن خطه، طالبان، القاعده و رهبران آنها را مجدداً جمع و جور نموده تحت حمایت های نظامی، آموزشی و لوژستیکی قرار دهند. مقام های پاکستانی، آنان را غرض خونریزی بیشتر و پیشبرد مقاصد خاص سیاسی شان، خاک افغانستان گسیل نمودند. گروه طالبان و متحدان خارجی آنان، حتا شیوه ها و تاکتیک های جنگی به شمول عملیات انتحاری عراقی ها را کاپی نموده و عیناً در افغانستان بکار بستند.



این برنامه های خطرناک و اشغالگرانه امریکا و انگلیس که در پناه هنگامه جهانی " 11 سپتامبر" و حمله بالای افغانستان صورت گرفت، عمدتاً بمنظور دسترسی به چاه های نفت و سایر ارزشهای زیرزمینی عراق از یکطرف و بخاطر مصوون سازی اسرائیل از سوی رژیم صدام، حضور مستقیم سیاسی - نظامی بیشتر امریکا در خاورمیانه و اكمال محاصره ایران از جانب دیگر، تحت برنامه ستراتژیک " خاورمیانه بزرگ " عملی گردید.

برنامه تلویزیونی " دموکراسی نو" به تاریخ هفدهم ماه فبروری سال 2003 میلادی، گزارش مصور و مستند مربوط به جریان تظاهرات اعتراضی ملیونها نفر در چندین مملکت جهانرا که بر ضد اقدامات جنگی جورج دبلیو بوش بر اه انداخته شده بود، به نشر رسانید و مصاحبه هایی را که در این زمینه با افراد و اشخاص مختلف در چندین شهر دنیا صورت گرفته بود، نیز پخش نمود. ولی رییس جمهور امریکا و همکاران نزدیکش، به آنچه که میخواستند و تصمیم گرفته بودند، بدون اعتنا به افکار عامه جهان، ادامه دادند.

یکی از معترضان امریکایی، مقاله یی تحت عنوان " سروری یا بقا- تلاش امریکا برای سلطه بر جهان " چنین نوشت: " رییس جمهور، سیاست " دفاع از خود پیشدستانه " ای اتخاذ کرده است که به طرز نگران کننده یی شبیه به سیاستی است که امپراتوری ژاپن در پرل هارپر در پیش گرفته بود. . اما امروز ما امریکا بیان هستیم که آبرو باخته ایم. " (30)

همچنان، " ریچارد فالک" کارشناس حقوق بین الملل نیز چنین نوشت: " گریزی نیست جز اینکه بگوییم جنگ عراق " جنایت علیه صلح بود، از آن نوع جنایتی که رهبران آلمان نازی بخاطر ارتکاب آن، در محاکمات نورنبرگ متهم شناخته شدند، به پای میز عدالت برده شدند و کیفر دیدند. " (31)

(ادامه دارد)

پیکار پامیر

وقایع افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی

(بخش پانزدهم)

زندانه‌های امریکا در افغانستان و جهان

بهرحال، مقام‌های نظامی ایالات متحده، در عین حالیکه عملیات هوایی علیه گروه طالبان و القاعده در خاک افغانستان را بدون توجه به اعتراضات جهانی رهبری می‌کردند، جریان عملیات زمینی نیروهای "ائتلاف شمال" و سایر جنگجویان ضد طالبان در مناطق مختلف کشور را نیز توسط کارشناسان نظامی، اجنت‌های اطلاعاتی و کماندوهای خاص جنگی خویش تحت رهبری و نظارت گرفته بودند. جنگجویان القاعده و فرماندهان گروه

طالبان را که توسط نیرو های مسلح ضد طالبان دستگیر میشدند، پس از انجام تحقیقات مفصل، بزدان های موقتی، یا تازه تشکیل در داخل افغانستان نگهداری میکردند و سپس، بخشی از آنها را به جزیره کوچک و دور افتاده " گوانتانامو- بی " در خاک کیوبا میفرستادند.

موقعیت جزیره " گوانتانامو- بی "

جزیره مذکور با مساحت یکصد و بیست سکویر کیلومتر، در ضلع شرقی کیوبا موقعیت دارد و امریکا آنرا پس از جنگ با هسپانوی ها در سال 1898م متصرف شد. باساس قرار دادی که میان حکومت های امریکا و کیوبا در آن سالها به امضا رسید، جزیره گوانتانامو- بی، بمنظور استفاده کشتی رانی و امور بحری در اختیار امریکا قرار داده شد. باز در سال 1934 م قرارداد قبلی میان دو کشور تجدید گردید و در آن اضافه شد که ایالات متحده، کیوبا را یک کشور آزاد میگذارد. هنگامیکه انقلاب کیوبا تحت رهبری فیدل کاسترو در سال 1959م به پیروزی رسید، حکومت جدید کیوبا از امریکا تقاضا کرد تا نیروهایش را از جزیره گوانتانامو- بی خارج کرده و ملکیت آن کشور را مسترد نماید. مقام های امریکایی، در آن موقع، بجای پذیرش این تقاضا، یک چک حاوی مبلغ (چهار هزار و هشتاد و پنج دالر) را (شاید به معنای یکنوع تمسخر)، ظاهراً بعنوان اجاره سالیانه جزیره مذکور به حکومت کیوبا فرستادند، ولی فیدل کاسترو آنرا نپذیرفت و مسترد کرد. اکنون در این جزیره به تعداد دوهزار و هفتصد نفر زنده گی میکنند و هنوز هم بحیث پایگاه نظامی در اختیار مقامات امریکایی قرار دارد.



نمایی از جزیره ی " گوانتانامو- بی "

اداره جورج دبلیو بوش، فقط متعاقب اشغال نظامی افغانستان در سال 2001 م دستور ایجاد زندان در آن جزیره و انتقال " عناصر تروریستی" به آنجا را صادر نمود.

در ماه جنوری سال 2002 میلادی بود که یک بال هوا پیمای (سی - 141) امریکا، نخستین گروه دستگیر شده گان را از افغانستان به جزیره گوانتانامو- بی انتقال داد و در ماه ها و سالهای پس از آن گزارش داده شد که به تعداد بیشتر از هفتصد نفر اعضا و فرماندهان سازمان تروریستی القاعده، گروه طالبان و دیگر عناصری که اتباع تقریباً بیست کشور جهان به شمول اتباع روسی و انگلیسی بودند، در این زندان نگهداری میشدند. چنانکه سایت انترنتی "پیمان ملی" از قول خبرگزاری "ایتارتاس" روسی نوشت که : "اسامی هشت تن اتباع روسیه فدراتیف که در زندان " گوانتانامو - بی " بسر میبرند، روز چهارشنبه ششم آگست سالجاری برای نخستین بار توسط رادیوی امریکایی (آر. اس - 1) انتشار یافت. " (33)

"پیمان ملی" افزود که : " گفته میشود همه این افراد در جریان جنگ سالهای 2001 تا 2002 م بحیث گروه های خطرناک تروریستی در افغانستان گرفتار شده اند. " در سالهای بعد ادعایی صورت گرفت مبنی بر اینکه سربازان امریکایی، برخی از افراد بیگناه افغانستان را نیز به ظن عضویت در سازمان تروریستی القاعده دستگیر و به زندان مذکور فرستاده اند.



تعدادی از زندانیان مربوط به القاعده در زندان " گوانتانامو- بی"

این نکته را نیز باید متذکر شد که مؤسسات حقوق بشر سازمان ملل، صلیب سرخ و تشکلات ضد جنگ در آمریکا و اروپا اعتراض های زیادی را علیه تأسیس زندان " گوانتانامو- بی" و نگهداری زندانیان در آن توأم با شکنجه های متنوع، آنهم نگهداری زندانیان بدون محاکمه و بدون داشتن وکیل مدافع، از طریق براه اندازی تحصن در برابر کاخ سفید، تظاهرات، نشر مطالب و مقالات در روزنامه های معتبر بعمل آوردند. شهروندان آمریکا، وجود زندان " گوانتانامو" و شیوه های برخورد با زندانیان توسط مقام های امنیتی آمریکا را نه تنها مغایر قانون اساسی آن کشور دانستند، بلکه آنرا لکه ننگ در عصر حاضر خواندند. همین نوع فعالیت های انسان دوستانه و فعالیت های مدنی بود که گند رسوایی های ناشی از برخورد های عذاب دهنده نیروهای آمریکایی در زندان " ابوغریب " در عراق اشغال شده بالا گرفت و حتا عکس های بسیار تکان دهنده و شرم آوری از آنهمه تعذیب و شکنجه و بربریت و حتا عکسهای مستند مربوط به تجاوز جنسی سربازان آمریکایی بالای زن و مرد عراقی به سراسر جهان پخش گردید.

روزنامه " نیویارک تایمز" نوشت که : " شکنجه گاه معروف گوانتانامو، لکه ننگی بر پیشانی اعتبار آمریکا ست " (34) ایرنا خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران به نقل از " نیویارک تایمز

" نوشت که " انتشار 700 سند محرمانه جدید، مؤید رسوایی، بی قانونی و بی اخلاقی شرم آور دستگاه اطلاعاتی و امنیتی امریکا در زندان مخوف گوانتانامو است ..."

"پرس تی وی " در ماه ثور (فروردین ماه) 1392 خورشیدی از قول " بیل جونز" عضو نهاد بررسی اطلاعاتی اجرایی امریکا نوشت که " زندان گوانتانامو بعنوان یک لکه ننگ برای امریکا باقی خواهد ماند. تلاشهایی در کنگره برای رسیده گی به این موضوع در جریان است، اما من شاهد هیچ تغییر عمده ای نیستم و همچنین به هیچ وجه دولت را در مسیر بستن زندان گوانتانامو نمی بینم... آنها ابدأ توجهی به اظهارات و بیانیه های سازمان ملل در مورد این مسأله نکرده اند و نگرانی های زیادی در سطح بین الملل و همچنین در داخل امریکا در رابطه با زندان گوانتانامو وجود دارد. "

" پرس تی وی " از قول " ناوی پیلاي" رییس کمیساریای عالی سازمان ملل نوشت : " ما باید در این رابطه صریح باشیم. ایالات متحده امریکا نه تنها التزامات و قوانین داخلی خود، بلکه قوانین و معیارهای بین المللی را که ملزم به رعایت آنهاست، به روشنی نقض میکند."

باساس گزارش رسانه های کانادایی، یکی از شهروندان ترک تبار بنام " مورات کورناز" که مدت پنج سال را با تحمل شکنجه در زندان گوانتانامو سپری نموده بود، با سه تن زندان دیده های دیگر، شکایت نامه یی را علیه جورج دبلیو بوش به دستگاه قضایی کانادا سپردند. گفته شد که حتا برخی از طبیبان زندان گوانتانامو، بجای معالجه، عاطفه و همدردی با زندانیان، در کنار زندان بانها و مستنطقین قرار می گرفتند.

روزنامه " ایندپندنت " منتشره انگلستان نیز نوشت که " خلیج گوانتانامو باعث ننگ اوباما است " بایستی این موضوع را نیز متذکر شد که در ماه های اول سال 2013 میلادی، یکتعداد از زندانیان در گوانتانامو، در اعتراض به شیوه های برخورد تحقیرآمیز زندانبانهای امریکایی و بدست آوردن سهولتهای مورد نیازشان در آن محبس، دست به اعتصاب غذایی زدند. تعدادی از روزنامه های امریکایی، بخصوص روزنامه "میامی هرالد " و برخی

از خبرنگاران آن کشور، جریان اعتصاب زندانیان را پیگیری نموده گزارشها را به اطلاع عامه رسانیدند. در اواخر ماه جون 2013 م بود که بالاخره فهرست یکتعداد از زندانی ها از سوی مقام های زندان مذکور به این ترتیب به نشر رسید :

عبدالحق واثق از افغانستان، ملا نورالله نوری از افغانستان، ملا محمد فضل از افغانستان، عثمان، عبدالرحیم و محمد عثمان از یمن، معاذ حمزه احمد العلوی از یمن، محمد الانسی از یمن، محمد عبدالعزیز المجاهد از یمن، عبدالملک احمد عبدالوهاب الرهابی از یمن، مجید محمد عبد احمد از یمن، عبدالرحمن شلبي عیسی عوید از عربستان سعودی، محمد رجب صادق ابو غنیم از یمن، علی احمد الراحضی از یمن، غالب نصار البیهانی از یمن، سالم احمد هادی بن کنداز یمن، محمد عبدالرحمن الشمرنت از عربستان سعودی، فودی خالد عبدالله فهد العوده از کویت، خالد احمد قاسم از یمن، عبداللطیف نصیر از مراکش، مسحور عبدالله مقبل احمد الصبری از یمن، مصطفی عبدالقاوی عبدالعزیز الشمیری از یمن، عبدالرحمن احمد از یمن، سلمان یحیی حسن محمد الربیعی، یسیم قاسم محمد اسماعیل قاسم از یمن، فائز محمد احمد الکندری از کویت، حاجی واح {واحد} محمد از افغانستان، زهر عمر حمیص بن حمدون از یمن، خیرالله سید والی خیروا {؟} از افغانستان، عمر خلیف محمد ابوبکر مهجرو عمر از لیبی، محمد الزهرانی از عربستان سعودی، اول گل از افغانستان (متوفی در زندان)، محمد نبی عمری از افغانستان، ایوب مرشد علی صالح از یمن، بشیر نصیر علی المرالله از یمن، شوقی عواد بوالزهیر از یمن، مصعب عمر علی المودوانی از یمن، هیل عزیز احمد ارمیثالی از یمن، سعید صالح سعید نشیر از یمن، کریم بوستان از افغانستان، عمر محمد علی الرماح از یمن، محمد کامین {؟} از افغانستان، احمد الرزاق از افغانستان، عبدالسلام الهیلاح از یمن، گولید حسن احمد از سومالی، محمد عبدالملک با جابو از کینیا، عنایت الله از افغانستان (متوفی در زندان) و محمد رحیم از افغانستان . (35)

قابل تذکر است که یکتعداد از زندانیان گوانتانامو که متعلق به کشور های مختلف بودند، بشمول یکتعداد از کادرهای گروه طالبان، در سالهای قبل، از این زندان رها شده بودند. گزارشگر واشنگتن پُست (مکس فیشر)، نتایج یک سلسله بررسیها و کنجکاوی هایش پیرامون مخارج این زندان بدنام را چنین به نشر رسا نید: " وزارت دفاع امریکا، از تاریخ گشایش زندان گوانتانامو در سال 2002م الی سال 2014م مبلغ 5 اعشاریه 24 بلیون دالر بمنظور فعال نگهداشتن این زندان بمصرف رسا نیده است که تنها در سال 2013م وجه چهارصد و پنجاه و چهار میلیون دالر، یعنی 2 اعشاریه 7 ملیون دالر برای هر زندانی هزینه نموده است. یک روزنامه شهر میامی امریکا بنام " هیرالد" نیز نوشت که امریکا غرض نگهداری زندان گوانتانامو و زندانیان آن، سالانه مبلغ نیم بلیون دالر بمصرف میرساند.

زندان بگرام

در همینجا باید گفت که باساست تحقیقات منابع حقوق بشر، امریکایی ها به تعداد بیشتر از بیست زندان مخفی در سراسر افغانستان ایجاد کرده بودند که افراد دستگیر شده را با بدترین شکل و شیوه در آن ها نگهداری میکردند. از آن جمله، زندان " بگرام" در پنجاه کیلومتری شمال کابل است که در سالهای نخست، منابع حقوق بشر سازمان ملل و صلیب سرخ گهگاه در مورد وضع و سرنوشت زندانیان آن اظهار نگرانی نموده میگفتند که مقام های امریکایی اجازه نمیدهند با زندانیان آنجا تماس برقرار گردد. این زندان، در سال 2002 میلادی از طرف نیرو های نظامی امریکا در داخل پایگاه هوایی بگرام اعمار گردید. گفته شد که امریکایی ها، افراد و اشخاص زیادی را به اثر اندکترین سوظن، در نیمه های شب از خانه و کاشانه شان بیرون کشیده و با خود به زندان بگرام می بُردند. این اقدامات بحدی در میان مردم افغانستان انعکاس منفی نموده بود که زندان بگرام را بنام " زندان سیاه" یاد میکردند و از آن می هراسیدند.

انواع شکنجه هایی که گفته شده در زندانهای " گوانتانامو - بی " و " بگرام " و دیگر زندان ها صورت میگرفت، عبارت بودند از: موجودیت سلول های بسیار کوچک انفرادی و بدون داشتن منفذ به خارج، روشن بودن چراغ سلولها در بیست و چهار ساعت، بی خوابی دادن تا سه شبانه روز، خوراندن دوا های غیرمجاز به زندانی بنام " دواى راستى"، ایستاده کردن اجباری بالای دو پا تا مدتها ی طولانی، گرم کردن یا سرد کردن از حد فزون سلولهای کُنکریتی توسط دستگاه های تهویه هوا، نگهداری زندانی در سلول مخصوص بدون آب و نان، اهانت به کتاب مقدس مسلمانان در برابر دیده گان زندانیان مسلمان، آویختن زندانی از سقف، ضربه زدن به کشاله های ران و ساق پا، سر زندانی را به در و دیوار کوبیدن، ریختن آب زیاد به حلق زندانی، فریاد کشیدن های کرکننده و پخش صوت و آهنگ در حد انزجار آور و اذیت کننده، نگهداشتن طولانی در آب سرد، شوک برقی، تهدید به تجاوزجنسی بالای مادر و همسر زندانی، شنواندن صدای کر کننده ماشین ا ره کشی ب مدت طولانی، نگهداری زندانی در سلول هایی که به اندازه یک تابوت هستند، دستکاری در غذا، برهنه کردن زندانی، نمایش فلم های رنج آور و دهشتناک، تشکیل صحنه اعدام های مصنوعی، فرو بُردن زندانی در زیر آب، سیلی زدن ، آب را با شدت تمام توسط پایپ به معقد زندانی فرستادن و . . .



نمایی از زندان بگرام در شمال کابل

گزارشهای زیادی منتشر شدند که بیانگر مرگ و میر تعداد زیادی از زندانی های بگرام در اثر شکنجه و لت و کوب توسط زندانبانان امریکایی بوده است .

مقام های امریکایی تا مدتها از وجود زندان بگرام منکر میشدند، اما بعداً یکی از خبرنگاران روزنامه نیویارک تایمز بنام " آناندگوپال"، برای نخستین بار در سال 2005 م با نشر یک گزارش دو هزار صفحه یی ، پرده از روی این واقعیت تلخ برداشت.

روزنامه مذکور افشا نمود که تا حال چندین فرد زندانی در زندانهای تحت نظارت امریکایی ها، یا در اثر شکنجه های طاقت فرسا جان داده و یا دست بخود کشتی زده اند. باساس یک راپور صلیب سرخ بین المللی که از منابع امنیتی امریکا بدست آورده و فهرست اسامی زندانیان افغان از سال 2001 تا 2011 میلادی در آن درج شده است، (تا همین اکنون "2011 میلادی" که این سطور رقم میخورند)، به تعداد ششصد تا هفتصد اسیر در زندان بگرام نگهداری میشوند. " البرتو گونزالس" یکی از نومحافظه کاران امریکایی و سابق مشاور رییس جمهور و وزیر عدلیه آن کشور، با بیباکی تمام گفت که : " امریکا نباید با احترام گذاشتن به حقوق بشر، اسباب تضعیف خویش را فراهم آورد."

وبسایت " حزب همبستگی افغانستان"، ترجمه بخشهایی از یک کتاب را که تحت عنوان " تو نباید بکشی" به قلم " یورگن " خبرنگار و سیاستمدار آلمانی پیرامون انواع شکنجه های زندانیان توسط نیرو های امریکایی نگاشته شده است، به نشر رسانید. اینک، بخشهایی از این ترجمه در مورد وضعیت زندان بگرام را در اینجا درج میکنیم : " یورگن در کابل با جاک، سرباز متقاعد ارتش کانادا و کارمند فعلی یک شرکت خصوصی امنیتی گفت و گو کرده است. وی میگوید، شکنجه هایی که در گزارش سناتور امریکایی ذکرش رفته، چیز عام است که ما بر زندانیان میکنیم. مثلاً از دست آویزان کردن، دست و پای بستن، بیدار نگه داشتن و یا غذا ندادن، چیزی که در زندان بگرام اتفاق می افتد، غیر عادی است ... اگر زندانی چیزی به درد بخور را نگوید، دست و پای آنرا می بندیم و سرچپه بالای یک

چوکی کوچک آنرا قرار میدهیم و سگهای جنگی را به جان شان رها میکنیم تا بالای آنان تجاوز کنند. پس از این کار، آنان حواس شان را ازدست میدهند و در موارد زیاد، آنان بدون اینکه جان اف کنیدی را بشناسند، به قتل او اعتراف میکنند." و همچنان در گزارش، از قول یک تن از افغانها بنام " محمد " که وظیفه ترجمانی را بعهده داشته است، چنین آمده بود : زمانیکه من برای آنان ترجمانی میکردم، میدانستم که فرد دستگیر شده هرچیزی است به جز تروریست. اکثریت آنان دهقانان نادار و مردم فقیر قریه بودند... گوانتانامو درمقایسه با بگرام، بهشت است ."

یک تن از زندانی های بگرام بنام " شیرآقا " به خبرنگاری بی سی گفته است : " ما نمیتوانستیم بخوابیم؛ زیرا در اتاق های بسیار سرد نگهداری می شدیم و زمانیکه چشم های ما پُت میشد، توسط ماشین، یک صدای دلخراش پخش میشد که همه را بیدار میکرد"

میرویس، زندانی دیگر گفته است : " بالای سر ما کمره کوچک بود که نیرو های امریکایی ما را می دیدند. هر وقتیکه خواب می رفتیم، ما را اذیت کرده بیدار میساختند... هر گاهی که قصد تشناب رفتن میداشتند، نیرو های امریکایی آنان را وادار میکردند که با موسیقی برقصند و بعد، برایشان اجازه داده میشد"

زندانی دیگر گفته است : " مرا برهنه کرده برای ساعت ها در هوای سرد رها میکردند، بعداً لوله آب را در مقدم داخل کرده به فشار زیاد آب را رها میکردند. "

سازمان اطلاعات جهانی امریکا (سیا) نیز طی انتشار یک گزارش 499 صفحه یی خویش در اوایل سال 2015م، پرده از روی برخی از اعمال شکنجه گرانه ضد حقوق بشری منسوبین اداره زندانها را فاش نمود که ترجمه بخشهایی از گزارش متذکره را نشریه انترنتی " مشرق " این چنین به نشر رسانید: " در صفحه 59 این گزارش، سنای کمیته اطلاعات سنای امریکا به مشاهده مواردی از تجاوز جنسی به مظنونین اشاره کرده است. از جمله مسایلی که گروهی

از افسرانِ دخیلِ در بازجویی های نا مناسبِ مزنونینِ داشتند، این بود که آنها دچار مشکلِ مدیریتِ عصبانیت در محلِ کار بوده و گزارش شده است که به تجاوزِ جنسیِ اعتراف کرده اند... "

" در صفحهٔ یکصد گزارش سنا در رابطه با این روش آمده است " تلگراف ها و سوابق نشان میدهد که بازداشت شده گانِ سیا که تحتِ روش های تشدید شدهٔ بازجویی سیا قرار داشتند، موردِ تنقیه { پمپ کردن آب در معقد اسیر} قرار می گرفتند؛ در حالیکه مدرکی دال بر اینکه نیاز پزشکی به این کار بوده، وجود ندارد و دیگران هم به این کار تهدید شده بودند. "

" در پی نوشتِ 584 از این گزارش اشاره شده است که چندین نفر از بازداشت شده گان از جمله عبدالرحیم النشیری، مجید کلیان، ابو زبیده، مروان الجبور تحت این عمل قرار گرفته اند. افسران سیا همچنین رمزی بن الشیبه، خالد بن عطش و عدنان الیبی را به تنقیه تهدید کرده اند. "

در صفحهٔ 3 از خلاصهٔ 19 صفحه ای ابتدای گزارش آمده است " محرومیت از خواب، شامل بیدارنگه داشتن فرد تا 180 ساعت به صورت عمدتاً ایستاده یا در شرایط نا مناسب بوده و در مواردی دستان فرد در بالای سرِ بازداشتی، بسته میشود است. "

این تنها نبود. نیرو های مسلح انگلیس نیز زندانهای برای خودشان داشتند که افغانها را طبق لزوم دید خویش دستگیر و برای مدتهای طولانی در حبس نگه میداشتند. خبرگزاری بی بی سی در اخیر ماه می سال 2013 میلادی افشا نمود که " نیرو های بریتانیایی، شماری از شهروندان این کشور را بازداشت و زندانی کرده اند. . . بر اساس مدارکی که بی بی سی بدست آورده است تا هشتاد و پنج شهروند افغانستان در اردوگاه نظامی باستیون، متعلق به نیرو های بریتانیایی در ولایت هلمند در جنوب افغانستان زندانی هستند ، بی آنکه تشریفات قضایی لازم در مورد ادامهٔ بازداشت آنان رعایت شده باشد... "



نمای یکی از زندانهای نیرو های انگلیسی در ولایت هلمند افغانستان

برخی از یافته های " شبکه اطلاع رسانی افغانستان " که در ماه حمل سال 1393 خورشیدی به نشر رسید، حاکی از آن بود که " در سالهای 2006 تا 2009 م به نظامیان این کشور { انگلستان } در ولایت هلمند اجازه داده شده است که بدون مجوز به شهروندان افغانستان شلیک کنند و آنها را مورد هدف قرار دهند... نظامیان انگلیسی در چند سال اخیر باعث کشتار بیش از هزار تن از غیر نظامیان افغانستانی بوده اند ... همه روزه افغانستانی های بی دفاع و بی بازخواست توسط عساکر انگلیسی و ناتو در هلمند و قندهار کشته میشوند و هیچ مرجع حکومتی وجود ندارد که دلیل قتل مردم را به دست نیرو های خاص این کشور ها بازخواست کند... "

حامد کرزی رییس جمهور افغانستان، در روزهای پایانی حاکمیت خویش، آنهم غرض کسب وجهه سیاسی نزد مردم افغانستان، تبلیغات دیگری را در مورد موجودیت زندانهای خارجی ها در ولایت هلمند و قندهار به راه انداخت. بهمین سلسله، هیأتی را به این دو ولایت فرستاد تا پیرامون موجودیت زندانها و وضعیت مربوط بدانها تحقیق نماید. هیأت اعزامی به قول رسانه های داخلی کشور، پس از بررسی های لازم اعلام نمود که " نظامیان امریکایی و انگلیسی، سه زندان در ولایت قندهار و سه زندان در ولایت هلمند دارند. " همچنان گفته شد که " طی دوازده، سیزده سال، در زندانهای امریکا، بسیاری از هموطنان ما بدون اینکه اتهامی علیه شان مطرح باشد و یا در دادگاه محاکمه شده باشند، در زندان بسر میبرند. این زندانیان در حبس انفرادی و در سلول های بدون پنجره و کوچک بسر میبرند، در حالیکه آب سالم جیره بندی و تهویه هوای نامطبوع است... "

عده بی از تحلیلگران امریکایی نیز گفتند که " اذیت و آزار روحی و فزیک، در معرض گرما یا سرمای شدید قرار دادن، استفاده از صدا های بلند غیر قابل تحمل، عریان کردن زندانیان در برابر سربازان زن، ایستاده یا بیدار نگه داشتن به مدت های طولانی و تهدید کردن آنها به وسیله سگها، شکنجه های عادی زندانیان در برخی زندانهای افغانستان است ... "

اینک، فهرست اسامی تعدادی از زندانیان بگرام از سال 2001 تا 2010 میلادی را که توسط صلیب سرخ بین المللی از منابع امریکایی بدست آمده اند، در اینجا درج میکنیم، با این تذکر که اسم پدر، ملیت، زمان دستگیری، محل دستگیری، تاریخ و محل تولد و سایر معلومات مورد نیاز از سوی مسوولان امریکایی حذف یا سانسور شده است :

گل زمان، قادر، حفیظ الله شهباز، حاجی پاچا وزیر، لطف الله الگاری (عرب تبار)، ارسلا خان، سیف الله ولی، منگ ظفر، غلام ربانی ابوبکر، قلم، احمد دلشاد، محمد صلاح علی (عرب تبار)، حاجی غلام فاروق، معین بن عبدالقادر فیضانی، محمد امین البکری، ردا احمد نجار، ایمل خان، نور آغا، ظاهر جان، محمد ایوب، حفیظ الله جان، فدی احمد، حمیدالله، عبدالرحمن، فاضل کریم، مولوی حمیدالله، عبدل زدران، ببرک، سمیع الله، جمشیر {جمشید} خان، محمد انور، ریاض، دوست محمد، عبدالعلیم، سید گلاب، شمالی خان، شفیق، عنایت الله، محمد آغا، شیر جان، ملا عبدالله، شاد گل، عبدالغفور، حاجی سید نبی، ضابط یاسین، محمد رحیم نوری، محمد یوسف نوری، محمد لالی، نورولی، نیاز، ولی جان، فاروق، غلام فاروق، کرامت، محمد لایق، حاجی نجم الدین، عبدالولی، عبدالغفار، فیروز خان، علی صدر، عبدالکریم، پالک جان، محمد ولی، عبدالقادر، عبدالظاهر، محمد قدیر، حمیدگل، رحمت الله، بسم الله عبدالله، محمد حسن خان، اول نور، گل آغا، اخترگل، قاری مهمند، نظیر خان، شهزاده گلخان، اکبرشاه، اکبرشاه، سلطان گل، هدایت الله، نور حسن، صالح الافغانی، غلام سرور جمیلی، عبدالرزاق، حاجی محمد، سید ولیجان، حاجی قیوم بای، مولوی حفیظ الله، اکا خان، محمد گل، شادی خان، نربچه، خان محمد، گلجان، مولوی احمد جان، ملا عبدالملک آخند، گلوگی، گل حنان، الم، گلزمان، عزت الله، حضرت ولی، ملا قدیم، علی محمد، قاری سید داوود، حاجی عبدالرحمن هوتک، شیر رحمان، عبدالقادر، حاجی امیر، ملک عزیز الرحمن، گوهر علی، عبدالستار، اکیب خان، روح الله، داوود ظاهر،

مولوی احمد ظاهر عرب، مومن خان، گل توریالی، محمد گلزار، جمعہ گل، بچہ خان، نظیم اللہ خان، محمد ظاهر، امان اللہ، سخی جان، صالح محمد، معلم اسماعیل، شمس خان، رییس محمد، حاجی خیل، ملا شبیر، خان محمد، عبدالحنان، تورہ کی، قاری عارف، مالی جان، محمدحسین، قاری عبدالولی، خان گل، شیخ یوسف، محمد نادرشہسوار، شیر بہادر، عزت اللہ، حاجی عبدالمجید خان، ولی گل، میرخان، فاروق مجاہد، مجیب الرحمن، ملا ضربت، حاجی لیوان گل، حاجی عبدالجلیل، مہاجر ضیا الرحمن، ملا تورجان، ملا آخند، قاضی خان، صدر ولی، گلخان، ملاسلیم، صفت اللہ، شاہ خالد، صحابی رحمن، زرمحمد، محمد اسماعیل ثاقب، پیراجان، اکبرخان، شاہ خان، عزیزالرحمن، حاجی ستار، عبدالحق، آغامحمد، ولیجان، میرقلم، طارق، محمد یوسف، صبغت اللہ جلالزی، عبدالباصر، عبدالخالق، رشید احمد، سمیع اللہ جلالزی، مولوی نسیم، فاضل گل، ملامحمد اکرم، عبدالباقی، گل معروف، ملا فیضانی، کریم اللہ شیرزی، قاری یوسف، حاجی نبیب، محمد شاہ، حمید اللہ، جمال، سید اللہ، رحیم جان، گل رحمن، عبدالملک، یعقوب، ملا حکیم نور، صدیق، حمزہ، محمد رحمت اللہ، ذبیح اللہ، سید منصور، مہربان، شیر آغا، ملا عبدالبصیر، میراجان، نعیم خان، نصرت اللہ، گل احمد، عثمان، نور احمد، سخی، نقیب اللہ، فرہاد، محمد داوود، سید رحمن، حضرت محمد، نعیم جان، محمد امین عثمانی، عصمت اللہ وردک، امیرمحمد، پیر محمد، فتح خان، ذولیمین، محمد نبی، امین اللہ، نورزمان، عبدالقیوم، یوسف، عبداللہ جمشید، عتیق اللہ، حفیظ زین اللہ، ملا محمد، حاجی کشمیر، عید خان، شہاب الدین، نجم الدین یلدوز، جنت گل، میر صاحب جان، امیرخداداد، بعل محمد، وزیرخان، حبیب شاہ، ریحان، عبدالوکیل، عید ولی، محمد رقیب، مولوی ناصر، شعیب خان، سید خالد الدمتانی، ابوریاض، منصور المنصور، ملاابراہیم، فضل الرحمن، حاجی ظاہر شاہ، عبدالسلیم، گل حیدر، ملاظاہر، حاجی خداداد، نوارخان، نیک مرجان، اخترمحمد، بیت اللہ، محمد شریف، قاری رفیع اللہ، شاہ ولی، شیرین آغا، سلطان شاہ، محمد اسماعیل، محمد ناصر، داورگل، امین شیر، ملاشریف، وکیل، اقبال، قاری امین اللہ، عبدالصمد، باقی محمد، حنیف شاہ، گلستان، گلبت شاہ، عبدل جانان، سعداللہ، ادیس، خلیل اللہ، ثنا اللہ، محبوب اللہ، بختیار، روح اللہ، جاوید اقبال، بختیار محمد، رشید نور، برہان الدین، فیصل احمد، محمد اللہ، محمد عظیم، موسیٰ خان، نعیم اللہ، لایق شاہ، صدیق اللہ، عزت شاہ، رحیم خان، محمد نسیم، خان اللہ، قاری سید حسن، معصوم خان، عبدالحلیم، روزی خان، عبدالعزیز، مولوی ناظم، ضیا الدین، عمرصدیق، کفایت اللہ، حیات اللہ، شمس الدین رحمن، تاج محمد، ملا اسماعیل، بلال، عباس خان، امان گل، گل سلم، حکیم جان، قاسم خان، عمرخان، حاجی عبدالعزیز، عبدالوحید، سید قلم، سید علم، ضیا الحق، نقیب احمد، قندی آغا، طوطی آغا، قیصر، عبداللہ جان، عادل، محمد ایوب، تعویض خان،

حاجی جان، زرین گل، میرام جان، سلیم شاه، مبارک گل، میرام جان، سلیم شاه، مبارک خان، علاالدین، عبدل جلال، حاجی عبدالباقی، بهرام جان، نورولی، سحرگل، سلطانعلی، حاجی کلیم، حکمت الله، برکت الله، عید محمد، مصطفی المدانی، تاج گل، شمس الرحمن، گلبار، غلام نبی، نجیب، حاجی نذیر، ابراهیم میکائیل، سید، حاجی خیال، شفیق، مراد، صاحب حاجی آغا، اجمل، نعمت الله، ابراهیم، احمدخان، شیرحسن، سیف الله، بخت الله، عبدالله کوچی، مطیع الله، منورخان، پاینده گل، آدم جان، پوپلزی، غازی مرجان، محمد هاشم، شمال، زیارت گل، عبدالبصیر، ملبشیر، حقل صافی، جمال الدین، محمد یونس، سید محمد، میرزاخان، سید انور، سید جمال الدین، عبدالفتاح، ملاجلانی، فضل رحیم، نورالله، ملامطلب، ایوب شاه، محمد ظاهر، عبدالمختار، محمد غوث، جمعه جان، فیض محمد، میرویس، لعل مرجان، عبدالهادی، محمود، اصیل خان، رحمت ولی، ذکریا، عبدالغنی، زلمی عبدالواسع، تورجان، ناصرالدین، عبدالباری، محمد شیر، عبدالمنان، نیازمحمد، رفیق، محمد الیاس، رحیمداد، سردارولی، زرغون، معروف، حسن، حاجی حنبلی، محمد حمزه، داوود آغا و شاید افراد دیگر که شامل این فهرست نشده اند. (36)

هرچند مقام های دولتی افغانستان بصورت رسمی گفتند که " بیشتر از سه هزارافغان در زندان بزرگ بگرام محبوس هستند "، ولی تا نگارش همین سطور، فهرست مکمل آنها بدست ما نرسیده است .

(ادامه دارد)